

انتظار موعود در آیین یهود

محمد مهدی کریمینی

خبرگزاری فارس: در این مقاله دیدگاه دین یهود درباره انتظار موعود و مصلح کل، مورد توجه قرار میگیرد که مهمترین منبع، همان تورات و تلمود، شرح و تفسیر قوانین یهود، خواهد بود. ناگفته نماند که ما در صدد اثبات مهدی موعود با استدلال به بشارتهای کتب قدیم نیستیم و اصولاً به آنها احتیاج نداریم، بلکه با مطالعه دیدگاه یهود در این زمینه، روشن میشود که عقیده به انتظار موعود و نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است.

چکیده

آرزوی ظهور یک مصلح، در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار میرود. انتظار موعود، نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانديناوي و حتي در مصريان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز میتوان یافت. علایم و مشخصاتی که در سایر ادیان بری آن نجات دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی (عج)، موعود اسلام نیز قابل انطباق است. در این مقاله، با توجه به مهمترین کتاب یهود؛ یعنی تورات، انتظار موعود را بررسی میکنیم.

مقدمه

انتظار موعود، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان و از جمله دین یهود، از اهمیت خاصی برخوردار است. آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در همه مذاهب مشترک بوده و از اصول مسلم اعتقادی این ادیان به شمار میرود.

این امر، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجیل و قرآن کریم به حساب میآید، از اموری است که به سرنوشت بشریت و تکامل انسان هم ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید میشود و میبیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفتهای فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی بیشتری کشیده میشود و اختراعات و اکتشافات حیرت آور، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ میشود و از او بری رفع ظلم، ستم و بحرانهای روحی و معنوی کمک میجوید.

از این رو، در همه قرون و اعصار، آرزوی موعود جهانی، در دلهای خداپرستان وجود داشته است و این آرزو، تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه های یونانی، افسانه های میترا در ایران، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانديناوي و حتي در میان مصريان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز میتوان یافت. (۲)

با مطالعه کتابهای آسمانی و تاریخ ادیان، به خوبی روشن میشود که عقیده به موعود و مصلح کل، اختصاص به شیعه یا اسلام ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند. پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد، بیدادگری و بیدینی فرا گرفته، نجات دهنده بزرگ طلوع میکند و به واسطه نیروی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح میکند و خداپرستی را بر بیدینی و مادپرگی غلبه میدهد.

البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص میشناسد؛ زرتشتیان او را به نام سوشیانس؛ یعنی نجات دهنده جهان، عیسویان به نام مسیح موعود، یهودیان به نام سرور میکائیلی و مسلمانان به نام مهدی موعود میشناسند.

هر ملتی نیز آن موعود نجات بخش را از خودش میداند؛ مثلاً زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت میدانند، عیسویان او را هم کیش خودشان میشمرند، یهودیان او را بنیاسرائیلی و از پیروان موسی میشمرند و مسلمانان او

را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارند، که البته اسلام، به طور کامل و مشخص، این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده اما در سایر ادیان چنین نیست.

نکته قابل توجه این که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان بری آن نجات دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی، موعود اسلام؛ یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام نیز قابل انطباق است؛ زیرا میتوان او را از نژاد ایرانی شمرد، چرا که مادر حضرت سجاد علیه السلام که جد امام زمان علیه السلام است، یک شاهزاده خانم ایرانی به نام شهربانو، دختر یزدگرد، پادشاه ساسانی بود. همچنین میتوان او را از دودمان بنی اسرائیل شمرد؛ زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل، هر دو از نسل ابراهیم خلیلند؛ بنی هاشم از نسل اسماعیل و بنی اسرائیل از نسل اسحاق اند. با عیسویان نیز نسبت دارد؛ زیرا مادر حضرت صاحب الامر (عج) یک شاهزاده خانم رومی به نام نجس بوده که به صورت شگفت‌انگیزی خود را به امام حسن عسکری علیه السلام میرساند. (۳)

عشق به صلح و عدالت، در درون هر کسی وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و با تمام وجود، خواهان جهانی سرشار از صلح و عدالتند و بر همین اساس، همه اقوام و ملل، منتظر صلح کلند.

بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد موعود و مصلح جهانی، بسیار قابل توجه است ولی مسلمانان کمتر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا نماید که عقیده به ظهور یک نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت، مسلمانان بویژه شیعیان، به خیالبافی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

در این گفتار، دیدگاه دین یهود - و نه همه ادیان آسمانی - درباره انتظار موعود و مصلح کل، مورد توجه قرار می‌گیرد که مهمترین منبع، همان تورات و تلمود، شرح و تفسیر قوانین یهود، خواهد بود. ناگفته نماند که ما در صد اثبات مهدی موعود با استدلال به بشارت‌های کتب قدیم نیستیم و اصولاً به آنها احتیاج نداریم، بلکه با مطالعه دیدگاه یهود - و البته ادیان آسمانی دیگر - در این زمینه، روشن میشود که عقیده به انتظار موعود و نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است.

البته همان طور که بیان شد، مهمترین منبع مورد استناد در این مقاله، تورات و تلمود است؛ چه این که هدف ما بیان مساله انتظار موعود از دیدگاه یهود است. با این حال، از استفاده از کتب دیگر غفلت نورزیده‌ایم.

یهود؛ هنوز انتظار

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت موج می‌زند. یهودیان، در سراسر تاریخ محنت‌بار خود، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت، درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند.

در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست، خود بر پی خاسته و با اشغال فلسطین، در صد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را پرافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان، بر اثر دل‌بستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمردند و پیوسته با آن مخالفت کرده‌اند، ولی سواد اعظم یهودیت، آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشی عصر مسیحا دانسته‌اند.

هم اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعا‌های مسیحایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت، اینگونه دعا میکنند:

«اراده خداوند، خدی ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد.» (۴)

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل، کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح، بر مشکلات آنان افزودند. اما در این میان، حضرت عیسی، مسیح بن مریم علیهما السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بسیار بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بیشماري را به ملکوت آسمان رهنمون شد.

مسیحیت نیز، بر اساس اندیشه انتظار پدید آمد و پس از رفتن حضرت عیسی مسیح علیه السلام پیوسته مسیحیان در سوز و گداز و شوق بازگشت دوباره وی، روزگار گذرانده‌اند. شوق و هیجان امید به ظهور آن حضرت، هنگام نزدیک شدن سال ۱۰۰۰ میلادی میان مسیحیان اوج گرفت. اکنون نیز در آستانه هزاره سوم میلادی، چنین وضعی در جوامع مسیحی مشاهده میشود.

نشانه های ظهور نزد یهود

یهود در کتابهای خودشان علائم و نشانه‌هایی را بری مصلحتی که در انتظارش هستند، ذکر کرده‌اند که در این جا به چند نمونه آن اشاره میکنیم:

- ۱ - همه سبطهای ده‌گانه اجتماع کنند و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع میباشند.
- ۲ - یاجوج و ماجوج شکست میخورند.
- ۳ - کوه زیتون شکاف بر میدارد.
- ۴ - وادی مصر خشک میشود.
- ۵ - آبهی گوارا در اورشلیم و از بیت‌المقدس بیرون میآید.
- ۶ - ده نفر مرد از قومیت‌های مختلف دنیا به لباس یک یهودی میچسبند و از او التماس میکنند که با او باشند؛ زیرا اینان شنیده‌اند که خدا با یهود است.

۷ - شرورهای زمین نابود شوند؛ اینان نظرشان این است که مسیح علیه السلام نمیآید، مگر بعد از آن که بر دین بنی اسرائیل خروج کرده‌اند، از بین رفته باشند. به همین جهت، بر هر یهودی واجب است تا حد امکان کوشش کند که با سایر امتهای اشتراک نداشته باشند تا تمام قدرت و حکومت، فقط در اختیار یهود بماند. و قبل از آن که یهود به طور نهایی بر بقیه امتهای حاکم شود، باید جنگ به پا شود و ثلث دنیا نابود گردد و یهود، هفت‌سال پی در پی بماند و سلاح‌هایی را که بعد از پیروزی به دست آورده‌اند، بسوزانند. در چنین روزی است که یهود به بالاترین مرحله ثروت و سرمایه‌داری رسیده و همه اموال دنیا را مالک شده است و بزودی گنج‌های اینان، خانه‌های بزرگی را پر میکند که بری حمل کلیدهای این خانه‌ها سیصد الاغ لازم است و این زمانی است که مردم دسته دسته به یهود داخل میشوند و همگان از آن استقبال میکنند. غیر از مسیحیها که هلاک میشوند؛ زیرا آنان از نسل شیطانند. (۵)

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است:

«بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست‌بگیرد و بقیه‌امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود و دو ثلث عالم از بین برود و یهود، هفت‌سال باقی میماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، میسوزاند و در این هنگام، دندانهای دشمنان بنی اسرائیل به اندازه ۲۲ ذراع شده و از دهنها بیرون آمده است!»

زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و بزودی مسیح حقیقی میآید و شخص منتظر، به پیروزی میرسد و مت‌یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت میرسد؛ چون که مالک تمام املاک دنیا میشود؛ به طوری که بری حمل کلیدهای گنج‌های آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است. (۶)

با توجه به مطالب یاد شده، روشن میشود که اصل ظهور منجی جهان در نزد پیروان دین یهود، ثابت و مسلم است. در عین حال، بغض و کینه آنان نسبت به همه ادیان و مخصوصاً مسیحیت قابل انکار نیست. از آرزوهای یهود آن است که از طریق ظهور موعود منتظر، بر همه بشریت مسلط شوند و همه ملل و اقوام دنیا، تسلیم یهود و تحت استعمار آنان باشند. توجه به این نکته ضروری است که مساله منجی جهانی، صبغه یهودیت یا نژاد یهودی ندارد.

جنگ‌های مذهبی و نشانه‌های ظهور

در آغاز قرن هفدهم، نشانه های بیشتری بری نزدیک بودن قطعی عصر مسیحایی مشاهده شد. چندین جنگ مصیبت بار و شرم آور، میان کاتولیکها و پروتستانها در اروپا در گرفت که به نظر میرسید آنها دوران مصیبت بار قبل از عصر مسیحا را محقق میکنند و جنگهای سی ساله، (۱۶۱۸ - ۱۶۴۸) اوج آنها بود. در آغاز، جنگی میان شهریاران کاتولیک و پروتستان آلمان رخ داد و بتدریج، تمام قدرتهای اروپا را درگیر کرد و سرانجام، آشوب و در هم ریختگی در همه ممالک، بالا گرفت.

گرچه در این دوران خونین، یهودیان آزار ویژه ای ندیدند و شاید برخی از مسیحیان به آنان توجه بیشتری کردند، ولی بسیاری از جوامع یهودی ویران شدند و بر اثر آشفتگی عمومی حاکم بر اروپا، برخی زیانهای مادی بری آنان به بار آمد.

آزادی یهود و تقویت آرمان ظهور

در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوبها و جنگهای بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که با یهودیان خوش رفتاری شده و پستهای مهم را اشغال کرده اند، این آرمان تقویت شده است. جولوس کرینستون در این باره میگوید:

«یک امر شگفت آور این که همین آزادی و خوش رفتاری با یهودیان در بسیاری از کشورها و نیل آنان به مقامهای بلندی در شوراها و شهر و امور مالی و اقتصادی جهان از دیدگاه طبقه دیگری از یهودیان، نشانه نزدیک شدن عصر مسیحایی (عصر ظهور) تلقی شد. یهودیان ستم دیده اروپای شرقی، طبعاً بری رهایی سریع اشتیاق داشتند و دعا میکردند. پیر و جوان، افسانه های مسیحا و شگفتی و شکوه آمدنش را میگفتند. به دست آوردن حق شهروندی و امتیازات سیاسی، در نظر آنان به اندازه بازگشت کامل دولت قدیم تحت رهبری مسیحی آرمانی که «مسح شده» خداست، اهمیت نداشت. رنجهای تبعید، عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود و بری رهایی خود از آن وضعیت نکبت بار، جز از طریق حوادث فوق طبیعی، چشم اندازی نداشتند. هنگامی که اخبار درخشیدن بزرگان و سیاستمداران یهود به این جوامع رسید (و غالباً به شکل مبالغه آمیزی نقل میشد که قدرتهای حاکم در اروپا به برادران ایشان علاقه نشان میدهند)، مفاهیم بی روح یک مسیحا و یک عصر مسیحایی، شکل دقیقتری بر خود میگرفت. اندیشه رهایی از تنگی موجود به وسیله جریان طبیعی به طور ناخودآگاه با امید مبهم دوران مسیحایی در هم میآمیخت.

آزادی یهودیان در کشورهای اروپای غربی، مقدار معینی از خود آگاهی و غرور ملی را در دلهای یهودیان مشرق برانگیخت و معماران بعد، پایه های جنبش ملی بزرگ یهودیان یعنی؛ صهیونیسم را بر آن بنا کردند. «(۷)

از نظر این نویسنده، عده قلیلی از یهودیان بر این عقیده بودند که با تشکیل رژیم اسرائیل در سرزمینهای مقدس، زمینه ساز ظهور مسیح خواهند بود. از این رو، احساسات یهودیان را بری سرزمین مقدس برانگیختند و ثروتمندان را بری ایجاد آبادیهای یهودینشین، تشویق کردند.

در مقابل، عده کثیری از یهودیان، عقیده یاد شده را رد میکردند و عقیده داشتند که نجات، تنها از طریق دخالت مستقیم خدا به دست میآید، سرعت بخشیدن به دوران رهایی از طریق ایجاد مهاجرنشینهای یهودی در فلسطین، نقض آشکار شریعت به شمار میرود. (۸)

در این میان، نباید از نقش استعمارگران در مساله فلسطین غفلت ورزید. آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، در تاسیس این غده سرطانی در قلب کشورهای اسلامی تلاش گسترده ای داشتند. اکنون نیز این حمایتها، در ابعاد سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی ادامه دارد؛ بری مثال، آمریکا سالانه حدود چهار میلیارد دلار به صورت کمک بلا عوض در اختیار این رژیم قرار میدهد.

یهود؛ انتظار مسیح علیه السلام و محورهای آن

از برخی تعالیم دین یهود روشن میشود که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیست و در واقع، این عقیده، یکی از اشتراکات این دین، با مسیحیت میباشد. «توماس میشل» در این باره میگوید:

«تعالیم انبیا، در بر افروختن آتش شوق قیام مسیح در دلهای قوم عهد عتیق (یهودیان) تاثیر بسزایی داشت؛ خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت باقی نخواهد گذاشت بلکه خود او کسی را مسح کرده، بری نجات مردم خواهد

فرستاد (عنوان «مسیح» از اینجا می‌آید). از کتابهای نبوت معلوم میشود که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می‌چرخید که البته این محورهای سه‌گانه به گونه‌ی مشخص از یکدیگر جدا نشده‌اند:

محور اول: مسیح پسر داوود

برخی از انبیا، مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا بزودی يك مسیح را از نسل داوود بری بازگرداندن شکوه بنیاسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می‌رود که مسیح یاد شده، قوم خود را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت‌خدا را بری گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهند ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت و نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا، حکمفرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد.

برخی از انبیا مژده دادند که این سلطنت تنها بری یهود نیست، بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد.

محور دوم: بنده خدا

اشعیه نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است: وی به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد. همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هر گونه شدت عمل، داری صبر و بردباری بری تحمل دردها و ستمها خواهد بود و با تحمل بار گناهان قوم، همچون وسیله‌ی بری نجات، عمل خواهد کرد.

محور سوم: پسر انسان

این شخصیت پیچیده، در کتاب دانیال آمده است. آن کتاب، به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است؛ زیرا اشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد. ادبیات مکاشفه، به دوره‌ی از تاریخ یهود تعلق دارد که قوم، زیر ستم بود و به همین دلیل، آمال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان میکرد.

نوشته‌های مکاشفه، از «روز خداوند» سخن می‌گوید و این که خدا بری اصلاح مفاسد و اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند، در جهان وارد عمل میشود. به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرا رسیدن روز خداوند، «پسر انسان» از آسمان فرو خواهد آمد و ملکوت الهی را بر پا خواهد ساخت. « (۹)

بحران پیش از ظهور از نظر یهود

از نظر یهود، دوران پیش از ظهور، همراه با ستم به قوم بنی اسرائیل خواهد بود. امتها در ستم کردن به بنی اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت و هر گرفتاری تازه، چنان شدید خواهد بود که گرفتاریهای قبلی را از یادها خواهد برد.

گفته‌های یهود در این باره، قدری خرافه گونه است و بعضی از مطالب بیان شده، با افسانه‌های کتب قدیم شباهت بیشتری دارد، هر چند این مطالب مربوط به دوران پیش از ظهور، از کتاب مقدس یعنی تورات اخذ شده است.

جولیوس کرینستون می‌گوید:

«پیش از آمدن مسیحا، يك ستون آتش در جهان ظاهر خواهد شد و چهل روز در برابر چشمان اقوام روی زمین، بر پا خواهد بود. آنگاه، مسیحي پادشاه، بری حرکت از مکانی در فردوس به نام «لانه گنجشک» فرمان خواهد یافت. او نخست در ایالت «جلیل» ظاهر خواهد شد؛ زیرا جلیل نخستین ناحیه‌ی بود که به دست رومیان ویران گردید. يك ستاره تابان در آسمان ظاهر خواهد شد و هفت‌ستاره دیگر، آن را محاصره خواهند کرد. آنها به مدت هفتاد روز، روزی سه بار با آن ستاره تابان خواهند جنگید و هر شب، بلعیده و هر صبح، بیرون افکنده خواهند شد. پس از هفتاد روز، آن ستاره از میان خواهد رفت. مسیحا در ستون آتش مذکور پنهان خواهد شد و به دوازده ماه، نامرئی خواهد بود. سپس وی را به آسمان برده، تاج پادشاهی بر سر او خواهند گذاشت و تمام قدرت و شوکت يك پادشاه را به او عطا خواهند کرد. آنگاه، وی به زمین فرود خواهد آمد و ستون آتش، دوباره مرئی خواهد شد. مسیحا در سراسر عالم

معروف خواهد گردید و ملتها، همراه با بسیاری از یهودیان بی ایمان، با او به جنگ برخوانند خاست . سپس در سال ۷۳ از ششمین هزاره آفرینش جهان (۱۳۱۳ میلادی)، تمام اقوام در رم گرد خواهند آمد و خدا بر آنان باران آتش، تگرگ و سنگ فرو خواهد ریخت و ایشان به استثنای پادشاهانی [؟] که به رم نیامده‌اند، هلاک خواهند شد . این پادشاهان نیز خواهند خواست با مسیحا جنگ کنند و [فرزندان] اسماعیل در محاصره کردن اورشلیم به آنان خواهند پیوست . اما «او که بر آسمان نشسته است، میخندد.» بسیاری در پرستش خدا با یهودیان همراه خواهند شد و بدینگونه، خلقت تازه‌ی خواهند یافت؛ زیرا خدا ارواح تازه‌ی بری بازماندگان ایجاد خواهد کرد و آنان را بری ورود به هزاره هفتم آماده خواهد ساخت.» (۱۰)

کیفیت ظهور مصلح یهود

همان طور که گذشت، یکی از اعتقادات یهود، ظهور مصلح در آخرالزمان است . اوست که اخلاق فاسد مردم را تطهیر کرده و اصلاح مینماید . یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر علیه السلام ظهور کند؛ به طوری که اگر لبهایش به دعا حرکت کند، تمام امتهای نابود شوند و این موعود منتظر، به گمان یهود، همان مسیح است که وعده او به یهود داده شده است . (۱۱)

همچنین، در باب کیفیت ظهور مصلح یهود، در تعالیم این دین، از قول یکی از پیامبرانشان به نام اشعیا چنین آمده است:

«بزودی کسی از اصل و نسب ابی داوود خروج، و روح رب بر او حلول میکند و روح حکمت و فهم و قدرت و معرفت خوف رب بر او حاکم می‌باشد . او به نفع بیچارگان، حکم به عدل میکند و بر آنان انصاف مینماید و منافق را نابود میکند و امنیت و آرامش برقرار خواهد کرد؛ به طوری که همه براحتی و در کنار هم زندگی میکنند.» (۱۲)

فراوانی نعمت، بعد از ظهور مصلح یهود

یهود معتقد است که بعد از ظهور مصلح، نعمتهای گسترده، همه جی زمین را میگیرد و حیات و زندگی مردم، قرن‌ها طول میکشد؛ به طوری که قد یک مرد به مقدار دویست ذراع میشود .

نیز معتقدند زمین اسرائیل بزودی نان و قماش میرویانند و بوته گندم، مانند درخت خرما در لبنان بلند میشود و بزودی هوا را میوزاند تا آن را آرد خوب و نرم قرار دهد .

و نیز زمین اسرائیل «فطیر» میدهد و هر دانه‌ی هزار دانه بار می‌آورد و شراب، فراوان میشود و بوته انگور، حاصل زیاد می‌آورد و ساختمان اورشلیم به اندازه سه میل ارتفاع پیدا میکند و دربهای آن از لؤلؤ و سنگهای اصیل است که هر ضلع آنها سی ذراع می‌باشد .

فقر از بین میرود و مردم تندرست میشوند و به فضیلت گرایش پیدا میکنند و عدالت و صداقت و صلح، حاکم میگردد و این زمان است که یهود بر تمام دنیا مسلط میشوند و همه امتهای بری آن مسیح، تسلیم میشوند و هر فرد یهودی، ۲۸۰۰ نوکر دارد که او را خدمت کنند! (۱۳)

نگاهی به تورات

در ارتباط با جهان آینده، به برخی از آیات تورات استناد شده است . از مجموع این عبارات، این نکته استفاده میشود که از نظر یهود، جنگها و سختیهای فراوانی فرا روی بشر است . عده‌ی رستگار و عده بیشتری بدبخت و نابود میگردند . اگر چه مشکلات و دشواریهای فراوانی بری قوم یهود و پیروان حقیقی این آیین وجود دارد، اما در نهایت، رستگاری و نجات در انحصار یهودیان خواهد بود .

در تورات میخوانیم:

«و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که بری پسران تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت‌شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی.» (۱۴)

و در جي ديگر از تورات، ميخوانيم:

«ي امتي که حيا نداريد! فراهم آييد و جمع شويد، قبل از آن که حکم نتاج بياوريد و آن روز مثل کاه بگذرد، قبل از آن که حدت خشم خداوند بر شما وارد آيد، قبل از آن که روز خشم خداوند بر شما برسد . ي جميع حليمان زمين که احکام او را به جا ميآوريد! عدالت را بطلبيد و تواضع را بجويد، شايد که در روز خشم خداوند مستور شويد؛ زيرا که غزه متروک ميشود و اشقلون ويران ميگردد و اهل اشدود را در وقت ظهر اخراج مينمايند و عقرون از ريشه کنده ميشود . وي بر امت کريتيان که بر ساحل دريا ساکنند . ي کنعان، ي زمين فلسطينيان! کلام خداوند به ضد شماست و من تو را چنان هلاک ميکنم که کسي در تو ساکن نخواهد بود ... و ساحل دريا بري بقيه خاندان يهودا خواهد بود تا در آن بچزند .» (۱۵)

در دنياي آينده و در زمان موعود منتظر، نعمتهاي فراواني روي زمين به وجود خواهد آمد؛ چيزي که قبلا سابقه نداشته است . البته همان طور که قبلا بيان گرديد، از نظر يهود، اين نعمتها فقط بري پيروان يهود خواهد بود .

«و بار ديگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگي بري تو نخواهد تابيد؛ زيرا که يهوه نور جاوداني تو و خدايت زيبايي تو خواهد بود .» (۱۶)

«و واقع خواهد شد که هر ذبيحات جنبنده ي در هر جايي که آن نهر داخل شود، زنده خواهد گشت (شفا خواهد يافت)» . (۱۷)

در آن زمان، درختان وادار ميشوند تا هر ماه ميوه آورند و انسان از آن ميوه ها ميخورد و شفا مييابد:

«و بر کنار نهر به اين طرف و آن طرف، هر قسم درخت خوراكي خواهد رويد که برگهاي آن پژمرده نشود و ميوه هاي آنها لاينقطع خواهد بود و هر ماه ميوه تازه خواهد آورد؛ زيرا که آبش از مقدس جاري ميشود و ميوه آنها بري خوراک و برگهاي آنها به جهت علاج خواهد بود .» (۱۸)

همچنين در آن زمان، صلح جاويدان در سراسر طبيعت حکمفرما خواهد شد:

«گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابيد و گوساله و شير و گاو پروار با هم (خواهند زيست) و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو بر خرس خواهد چريد و بچه هاي آنها با هم خواهند خوابيد و شير مثل گاو، کاه خواهد خورد و طفل شيرخواره بر سوراخ مار بازي خواهد کرد و کودک از شير باز داشته شده، دست خود را بر لانه افعي خواهد گذاشت .» (۱۹)

از نظر تورات، دوراني از صلح پايدار و بي زوال و شادماني و خرسندي پديد خواهد آمد . در جهان کنوني، انسان بنايي را ميسازد و ديگري آن را فرسوده ميکند . کسي نهالي را مينشانند و ديگري ميوه آن را ميخورد، اما در مورد جهان آينده، چنين ميخوانيم:

«آنها بنا نخواهند کرد تا ديگري در آن ساکن شود و (درخت) غرس نخواهد کرد تا ديگري (ميوه آن را) بخورد ... زحمت بيهوده نخواهند کشيد و اولاد به جهت وحشت و اضطراب به دنيا نخواهند آورد .» (۲۰)

پينوشت:

(۱) مدرس دانشگاه، کارشناس ارشد حقوق بين الملل، محقق و نويسنده .

(۲) ر . ک .: علي دواني، مهدي موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، ص ۱۷۸ .

(۳) ر . ک .: حبيب الله طاهري، سيمي آفتاب، مشهور، قم، ۱۳۷۸، صص ۱۲۶ - ۱۲۵ .

(۴) جوليوس کرينستون، انتظار مسيحا در آيين يهود، ترجمه حسين توفيق، مرکز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷، ص ۱۳ .

(٥) البرهان، ج ١، ص ٢٨ و قصة الديانات، ص ٣٧٦ . به نقل از باقر شريف قرشي، زندگاني خاتم الاوصياء امام مهدي (عج)، ترجمه ابوالفضل اسلامي، فقاقت، قم، ١٣٧٦، صص ٢٤٢ - ٢٤١ .

(٦) اسرئيل و تلمود، ص ٦٠ . به نقل از: باقر شريف قرشي، پيشين، ص ٢٤٣ .

(٧) جوليوس كرينستون، پيشين، ص ١٦٤ .

(٨) همان، صص ١٦٥ - ١٦٤ .

(٩) توماس ميشل، كلام مسيحي، ترجمه حسين توفيفي، مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب، قم، ١٣٧٧، صص ٢٨ - ٣٧ و نيز در مورد پسر انسان مراجعه كنيد به: محمد طي، المهدي المنتظر بين الدين و الفكر البشري، الغدير، بيروت، ١٩٩٩ م .، ص ٦١ .

(١٠) جوليوس كرينستون، پيشين، صص ١١٣ - ١١٢؛ مزامير، ٢: ٤ .

(١١) باقر شريف قرشي، زندگاني خاتم الاوصياء امام مهدي (عج)، ص ١٣٣ .

(١٢) همان، ص ١٢٢ .

(١٣) همان، ص ٢٤٤؛ البرهان، ج ١، صص ٣ و ١٢٩؛ التلمود؛ تاريخه و تعاليمه، صص ٦١ - ٦٠؛ قصة الديانات، ص ٣٧٦؛ مسيح في القرآن و التوراة و الانجيل، ص ٥٢٦ .

(١٤) تورات، كتاب دانيال نبي، باب ٢/١٢ - ١ .

(١٥) همان، كتاب صنفيي نبي، باب ٧/٢ - ١ .

(١٦) همان، كتاب اشعياي نبي، باب ١٩/٦٠ .

(١٧) همان، كتاب حزقيال، باب ٩/٤٧ .

(١٨) همان، كتاب حزقيال نبي، باب ١٢/٤٧ - ١١ .

(١٩) همان، كتاب اشعياي نبي، باب ٦/١١، ٧ و ٨ .

(٢٠) همان، اشعياي نبي، باب ٢٢/٢٢ - ٢٢؛ راب، دكتور، ا، كهن، گنجينه ي از تلمود، ترجمه امير فريدون گرگاني، زيبا، تهران، ١٣٥٠، صص ٣٧٠ - ٣٥٨ .